

## روش‌شناسی علامه محمدتقی شوشتری در نقد احادیث ساختگی کاوشی در کتاب «الاخبار الدخیلة»

سیدعلی آقایی\*

### چکیده

در نوشتار حاضر با بررسی و تحلیل آرای علامه شوشتری در نقد احادیث موضوع - که در باب دوم کتاب الأخبار الدخیلة آمده است - میانی و روش‌های نقد بیرونی و درونی اخبار جعلی از دیدگاه وی شناسایی و طبقه‌بندی و برای هر یک نمونه‌هایی ذکر شده است. البته نگارنده کوشیده تا از مجموعه روایات این باب بهترین و روشن‌ترین مثال‌ها را گزینش کند و حتی‌المقدور از آوردن نمونه‌های تکراری پرهیز کند. در خلال پژوهش، روشن شد که علامه غالباً در نقد هر روایت آن را از وجوه و زوایای گوناگون واکاوی کرده و از معیارهای مختلف درونی و بیرونی از جمله تعارض با قرآن، مخالفت با حکم مشهور فقهی، تناقض با اعتقادات کلامی شیعه، تضاد با عقل یا علم، ناسازگاری با تاریخ، تعارض با سنت، مقایسه با اخبار مشابه، و نقد درونی و سندی روایت برای نقد روایات جعلی بهره گرفته است. کلید واژه‌ها: الاخبار الدخیلة، احادیث ساختگی، نقد حدیث، محمد تقی شوشتری.

### درآمد

روایات، پس از قرآن کریم، در سنت اسلامی از اهمیت ممتازی برخوردار است. مسلمانان از صدر اسلام تاکنون اهتمام ویژه‌ای برای حفظ و روایت احادیث داشته‌اند و اندیشمندان علوم اسلامی از آنها بهره گرفته‌اند. با این حال، این گنجینه ارزشمند اسلامی از تحریف و جعل به دور نمانده است. عالمان مسلمان، ضمن آگاهی از این امر، از همان قرون نخستین بر پالایش روایات همت گماشتند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزیدند. در این زمینه تلاش عالمان اهل سنت در چند حوزه قابل

\* دانشجوی دوره دکتری تخصصی قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات. لازم است از استاد گرانقدرم دکتر محمدعلی لسانی فشارکی به خاطر قبول زحمت مطالعه کامل مقاله و تذکر اشکالات آن سپاسگزارى کنم.

دسته‌بندی است؛ از یک سو، ایشان مجموعه‌های روایی (جوامع حدیثی) مستقلی فراهم آوردند که در آنها بر اساس معیارهای اجتهادی خود - که غالباً مبتنی بر نقد سند بود - روایات صحیح و ضعیف را از هم جدا کردند. از سوی دیگر، به منظور تعیین معیارهای ارزیابی روایات، کتاب‌هایی در روش‌شناسی فهم و نقد احادیث تألیف کردند. گروهی نیز به نگارش آثار مستقلی پرداخته و در آنها اخبار و روایاتی که ظاهراً مجعول بودند، معرفی کردند.<sup>۱</sup> در ابتدای امر، تألیف جوامع حدیثی و تفکیک روایات صحیح از ضعیف و مجعول بر مبنای اسناد روایات و جرح و تعدیل راویان آنها صورت می‌گرفت. این شیوه بررسی و نقد روایات بی‌اشکال نبود، زیرا در مواردی با این که متن روایت جعلی نبوده، صرفاً به استناد ضعف سند یا مرسل بودن خبر، در شمار احادیث موضوع دانسته شده است. گاهی نیز مسأله با انگیزه‌های مذهبی و فرقه‌ای درآمیخته است؛ مثلاً روایتی به دلیل این که راوی‌اش شیعه بوده یا از طرق شیعی نقل شده است، موضوع تلقی شده است.<sup>۲</sup>

با توسعه دانش حدیث و روشن شدن کاستی‌های نقد سند در تمییز روایات صحیح از ضعیف و مجعول، توجه دانشمندان به نقد متن روایات معطوف شد؛ هر چند در این زمینه نیز پیش فرض‌های کلامی بی‌تأثیر نبودند؛ به طوری که بسیاری از روایات فضایل ائمه علیهم‌السلام و معارف منقول از ایشان در زمره احادیث مجعول دانسته شده‌اند.<sup>۳</sup> در دوره معاصر، خصوصاً پس از پژوهش‌های خاورشناسان در نقادی حدیث،<sup>۴</sup> نقد متن اهمیت بیشتری از پیش یافته و جایگاه ممتاز آن در بررسی‌های موشکافانه متأخران از احادیث نمودار شده است.<sup>۵</sup>

۱. از آن جمله می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: تذکرة الموضوعات، مقدسی (م ۵۰۷)؛ الأبطال، جرزقانی (م ۵۴۳)؛ الموضوعات، ابن جوزی (م ۵۹۷)؛ الدرر الملتقط فی تبیین الغلط، صاغانی (م ۶۵۰)؛ المنار المنیف، ابن قیم (م ۷۵۱)؛ اللئالی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعة، سیوطی (م ۹۱۱)؛ تنزیه الشریعة المرفوعة عن الاختیار الموضوعة، کنانی (م ۹۳۶)؛ تذکرة الموضوعات، فتنی (م ۹۸۶)؛ الموضوعات الکبیر، و المصنوع فی معرفة الموضوع، ملا علی قاری (م ۱۰۱۴)؛ الفوائد المجموعه فی الأحادیث الموضوعة، شوکانی (م ۱۲۵۰)؛ سلسلة الأحادیث الضعیفة و الموضوعة، ألبانی (معاصر).

۲. رک: «سختنی درباره اخبار الدخیلة علامه (محقق شوشتری)»، رضا استادی، آینه پژوهش، ش ۳۳، ص ۱۴-۱۵.

۳. رک: همان، ص ۱۵.

۴. برای اطلاع از تاریخچه تفصیلی آرای اندیشمندان غربی و پژوهش‌های صورت گرفته در این باره رک:

«حدیث پژوهی در غرب: مقدمه‌ای درباب خاستگاه و تطور حدیث»، ترجمه و تلخیص: مرتضی کریمی‌نیا، علوم حدیث، ش ۳۸ - ۳۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۲ - ۳۱؛ نیز برای اطلاع از آرای نواندیشان مسلمان درباره حدیث و مناقشات طرح شده در این باره رک:

G.H.A.Junboll, The Authenticity of the Tradition Literature: Discussions in Modern Egypt, 1st ed., Leiden 1969;

Daniel Brown, Rethinking tradition in modern Islamic Thought, Cambridge University Press 1996;

الحدیث النبوی و مکاتنه فی الفكر الاسلامی الحدیث، محمد حمزه، بیروت: المركز الثقافی العربی، اول، ۲۰۰۵ م.

۵. چنان‌که در این دوره کتاب‌های مستقلی درباره نقد حدیث نگاشته شده و در آنها، علاوه بر موازین نقد سندی حدیث به معیارهای نقد متنی و محتوایی روایات نیز توجه شده است. برای فهرست کتاب‌شناختی آثار منتشر شده در این زمینه رک:

موضوع پالایش روایات در میان شیعه نیز مورد توجه بوده است. بزرگان شیعه، پیش از مؤلفان جوامع حدیثی، به تفکیک احادیث معمول و ساختگی از روایات صحیح پرداختند و بار دیگر این کار توسط مؤلفان جوامع حدیثی تجدید گردید؛ چنان‌که تعبیر کسانی چون کلینی و صدوق مبنی بر صحت روایات کتاب‌های الکافی و من لایحضره الفقیه بر این امر دلالت دارد.<sup>۶</sup> اما پس از آن، در حوزه حدیث شیعه با کاستی‌های جدی در نقد روایات شیعی مواجهیم. البته معدودی از عالمان با هدف شرح مجموعه‌های حدیثی به داوری درباره آنها پرداخته‌اند،<sup>۷</sup> اما اولاً این کارها تداوم نداشته و ثانیاً معیارهای سنجش روایات، به طور مستقل، مورد بحث قرار نگرفته و باید از لابه‌لای متون و داوری‌ها بازشناسی شود. به علاوه، علمای شیعه با رعایت جانب احتیاط از فراهم آوردن مجموعه‌های مستقل روایات صحیح، ضعیف یا موضوع پرهیز کرده‌اند که مبدا چنین نگارش‌هایی به مهجور شدن جوامع اصلی بیانجامد یا با سهل‌انگاری، روایاتی که صرفاً احتمال معمول بودن دارد، به عنوان حدیث موضوع تلقی شوند.<sup>۸</sup> البته نباید برخی تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه را نادیده گرفت؛ هر چند این تلاش‌ها از گزند نقد مصون نمانده و با اعتراض و مخالفت جدی دیگران روبه‌رو شده است.<sup>۹</sup>

نخستین گام در این زمینه کتاب الأخبار الدخیلة تألیف شیخ محمدتقی شوشتری (م ۱۳۷۴ ش) است که به همت علی‌اکبر غفاری در یک جلد اصلی و سه جلد مستدرک فراهم آمده است.<sup>۱۰</sup>

«روش‌شناسی فهم و نقد حدیث در تفسیر المیزان: معرفی کتاب علامه طباطبایی و حدیث»، سیدعلی آقایی ص ۱۷، پانویس ۲۰.

۶. سخنی درباره الاخبار الدخیلة علامه (محقق) شوشتری، ص ۱۴، ۱۶.

۷. نظیر مرآة العقول مرحوم محمدباقر مجلسی که ضمن شرح روایات الکافی، درباره آنها داوری نیز کرده و صحت و ضعفشان را بازنمایانده است. همچنین شیخ جمال‌الدین حسن بن زین‌الدین - صاحب معالم - در کتاب منتهی الجمال فی الأحادیث الصحاح و الحسان روایات صحیح و حسن کتب اربعه را جمع‌آوری کرده و نکاتی فقه‌الحدیثی در فهم روایات نیز یادآور شده است.

۸. رک: سخنی درباره الأخبار الدخیلة علامه (محقق) شوشتری، ص ۱۶؛ نیز «گفتگو با آیه الله رضا استادی»، ص ۱۱-۱۸.

۹. چنان‌که درباره تعلیقات بحار الأنوار پیش آمد. علامه طباطبایی برای جلد اول تا هفتم بحار الأنوار مجموعاً ۶۷ تعلیقه نوشت. البته اکثرین تعلیقه‌ها ذیل تفسیر و برداشت علامه مجلسی از روایات است و به کیفیت استفاده علامه مجلسی از احادیث خرد گرفته است. ظاهراً برخی از این تعلیقات اعتراضاتی را برانگیخت که مانع از ادامه کار وی شد (برای اطلاع بیشتر رک: «روش‌شناسی فهم و نقد حدیث در تفسیر المیزان» معرفی کتاب علامه طباطبایی و حدیث، ص ۱۸، پانویس ۵). نمونه دیگر کار محمدباقر بهبودی است. او مجموعه‌ای از روایات صحیح کتب اربعه را بر مبنای دیدگاه اجتهادی خود - که در مقدمه دو کتاب معرفة الحدیث و صحیح الکافی شرح داده - گزینش و به طور مستقل چاپ کرد. البته عمده این داوری‌ها نیز بر حسب سند بوده و از آنجا که نظریات رجالی وی محل اختلاف است، اعتراضات و مخالفت‌هایی را برانگیخت (برای اطلاع بیشتر، رک: همان، ص ۱۸-۱۷، پانویس ۴). نمونه‌ای دیگر از این دست کوشش‌ها مشرعه بحار الأنوار اثر محمد آصف حسینی است که کل روایات بحار الأنوار را مورد داوری قرار داده است. مهدی حسینیان قمی در مقاله‌ای مستقل به نقد بخش‌هایی از این کتاب پرداخته است (برای نقد و بررسی این کتاب، رک: «دفاع از روایات بحار الأنوار: نقد کتاب مشرعه بحار الأنوار»، ص ۸۷-۱۰۵).

۱۰. پس از آن، هاشم معروف حسینی در کتابی به نام الموضوعات فی الآثار و الأخبار به جداسازی روایات موضوع همت گماشت که به دلیل نقادی متنی این نوع روایات اقدامی درخور توجه است. وی در این کتاب به نقد احادیث دروغین و ساختگی منسوب به ائمه در منقص و مذمت برخی از صحابه بویژه خلفای سه‌گانه و اخبار جعلی مناقب و فضایل ائمه، بویژه علی علیه السلام - که از سری

## درباره کتاب الأخبار الدخيلة

علامه شوشتری ابتدا حاشیه‌ای بر اللمعة الدمشقية نگاشت و در آن به مقایسه اخبار اللمعة الدمشقية و مسائل الشیعة پرداخت. در هنگام بازنگاری این حاشیه، احادیث را از کتب اربعه و دیگر مصادر اولیه جمع‌آوری کرد و متوجه اختلاف فاحش میان جوامع متأخر و کتب اربعه شد. گردآوری این حجم زیاد اشکالات و تحریفات او را بر آن داشت تا کتاب مستقلی با موضوع روایات جعلی و تحریف شده تألیف کرده و آن را الأخبار الدخيلة نام نهد.<sup>۱۱</sup> بدیهی است که روایاتی که وی در این کتاب گردآوری کرده است، تمام احادیث محرف و موضوع موجود در مجموعه‌های حدیثی شیعه نیستند؛ چه او برای این کار تلاش مستقلی صورت نداده و به جمع و استقصای موارد نپرداخته است، بلکه آنچه را در حین مطالعات معمول با آن مواجه شده، آورده و خود تصریح کرده است که روایات مذکور در این کتاب تنها نمونه‌هایی از موضوعات و محرفات است.<sup>۱۲</sup> البته شوشتری مشابه همین کار را در النجعة فی شرح اللمعة<sup>۱۳</sup> انجام داده است؛ به گونه‌ای که شاید به سختی بتوان در میان این شرح مفصل دو یا چند صفحه پیاپی یافت که در آنها به مواردی از تحریف یا تصحیف اشاره نشده باشد.<sup>۱۴</sup>

احادیث کتاب الأخبار الدخيلة در سه باب سامان یافته‌اند: باب نخست، حاوی روایات تحریف شده بوده و حجم عمده این کتاب را به خود اختصاص داده و مشتمل بر دوازده فصل است. البته فصول با هم تناسب ندارند و هر کدام یکی از وجوه مسأله تحریف روایت را بیان می‌کنند؛ چنان‌که در فصول اول و دوم، احادیث بر مبنای دو معیار بیرونی نقد حدیث، یعنی «ضرورت مذهب» و «تاریخ» بررسی شده‌اند. در فصل سوم، از «سباق» روایت<sup>۱۵</sup> به عنوان محک نقد درونی بهره گرفته شده است. در فصل‌های چهارم، پنجم، ششم، هشتم، نهم، یازدهم و دوازدهم مبنای تقسیم، وجه تحریف بوده است.<sup>۱۶</sup> در فصل هفتم روایاتی که سندشان تحریف شده، بررسی شده‌اند و در نهایت، در فصل نهم

◀ غلات یا دشمنان شیعه جعل و وضع شده - پرداخته است (ر.ک: «بررسی روش کتاب الموضوعات فی الآثار و الأخبار در شناخت احادیث موضوعه»، ص ۱۵۶-۱۸۸). به نازگی نیز کتابی با نام مبنای و روش‌های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشوران شیعه از داود معماری چاپ شده که در اصل رساله دکتری او بوده است. نویسنده در بخش سوم این کتاب مثال‌های فراوانی از روایات جعلی که پیش‌تر در کتاب‌های نقد و بررسی احادیث موضوع طرح شده بوده، آورده و بر مبنای روش‌های نقد متن حدیث، طبقه‌بندی کرده و سامان بخشیده است.

۱۱. آیه الله علامه حاج شیخ محمدتقی شیخ (شوشتری) رجالی عظیم معاصر، ص ۴-۵.

۱۲. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۶۵-۲۶۶.

۱۳. برای آگاهی بیشتر درباره کتاب و اندیشه‌های حدیثی طرح شده در آن ر.ک: «نجعة»، کتابی بسیار سردمند در فقه شیعه، ص ۳۲-۳۴؛ «اندیشه‌های حدیثی علامه محدثی شوشتری» در النجعة، ص ۲۵-۵۴.

۱۴. البته در هریک از این دو کتاب مواردی یافت می‌شود که در دیگری نیست. همچنین در کتاب قاموس الرجال نیز به مناسبت بحث رجالی به مواردی از تصحیفات پدید آمده در کتب روایی و رجالی اشاره شده است (ر.ک: «شیخ محمدتقی شوشتری و انتقادات رجالی او: بررسی تطبیقی قاموس الرجال و تنقیح المقال»، هنوز منتشر نشده است). شایسته است با گردآوری همه این نقدها در یک جلد و داخل کردن مستدرکات در متن کتاب اصلی، مجموعه جامعی از موارد وقوع تصحیف و تحریف از دیدگاه علامه شوشتری فراهم شود.

۱۵. مراد از سباق قرینه‌های داخلی روایت، نظیر اسلوب سخن و طرز جمله‌بندی آن است.

۱۶. که به ترتیب عبارت‌اند از: «درهم آمیختگی احادیث»، «تشابه رسم الخط»، «اشتمال بر دو امر متقابل»، «نقل به معنا»، «عدم

از «زیادت و نقصان» در احادیث بحث شده است. باب دوم درباره احادیث موضوع بوده و شامل چهار فصل است. شوشتری در فصل اول به نقد روایات مربوط به دیدار با امام زمان (عج) و در فصل دوم به روایات تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام پرداخته است. عنوان فصل سوم، دلالت بر احادیثی دارد که از روی غرض‌ورزی در آنها کم و زیاد شده یا پاره‌ای واژگان‌شان تغییر یافته است. فصل چهارم نیز حاوی برخی دیگر از احادیث موضوع است. دعا‌های محرف و مصحف عنوان دو فصل از باب سوم کتاب است.<sup>۱۷</sup>

کتاب الأخبار الدخيلة - که محصول سال‌ها تتبع و تأمل علامه شوشتری است - کتابی ارزشمند و حاوی نکاتی سودمند و مشکل‌گشا است که شاید نتوان در تألیفات علمای شیعه برای آن نظیری یافت. با مروری بر عناوین ابواب و فصل‌های این مجموعه، می‌توان به گستردگی موضوعات مطرح در آن پی‌برد؛<sup>۱۸</sup> ولی با این حال از حیث شکل و ترتیب و نیز از جهت محتوا و تعبیرات خالی از ضعف و اشکال نیست که در زیر به برخی از آنها می‌پردازیم:<sup>۱۹</sup>

۱. یکی از ایرادهای طرح شده به نام‌گذاری کتاب است. کاربرد واژه دخیل برای احادیث، ابتکار علامه شوشتری است؛ چرا که این واژه پیشینه‌ای در مصطلح‌الحدیث ندارد. ظاهراً قصد او جعل واژه‌ای بوده است که دارای معنای اعم از تحریف، تصحیف و وضع بوده و بر هرگونه دستبرد و دگرگونی در حدیث دلالت کند. اما این اصطلاح موهوم ساختگی بودن کل روایات طرح شده در این کتاب است و افراد کم‌اطلاع فریب نام کتاب را خورده، گمان می‌کنند این چهار جلد مجموعه احادیث موضوع است؛ در حالی که پس از رجوع به کتاب روشن می‌شود، مؤلف درصدد طرح روایاتی بوده که از جهات مختلف دچار اشکال‌اند و به هیچ عنوان مدعی گردآوری روایات مجعول نیست.<sup>۲۰</sup> حتی در مواردی ضمن نقد روایت، بر استواری آن صحنه گذاشته است. از این رو برخی معتقدند عنوان الأخبار الدخيلة انتخاب مناسبی نبوده است.<sup>۲۱</sup>

«دقت، و درهم آمیختگی کلام راوی یا مؤلف با حدیث»، و «درهم آمیختگی حاشیه با متن».

۱۷. ر.ک: الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۷۲-۲۷۳، فهرست کتاب.

۱۸. این کتاب از جهات مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است که فهرست آنها در ذیل می‌آید: «سخنی درباره الأخبار الدخيلة علامه (محقق) شوشتری»، رضا استادی؛ «سیری در کتاب الأخبار الدخيلة»، عبدالمهدی جلالی؛ «معیارهای نقد دعا در الأخبار الدخيلة»، «روش علامه شوشتری در نقد سنده»، همو؛ همچنین برخی در مقام دفاع از انتقاداتی که در این کتاب به پاره‌ای احادیث طرح شده مقالاتی نگاشته‌اند؛ نظیر: «النقد اللطيفة على الكتاب المسمى بالأخبار الدخيلة»، آية الله صافي گلپایگانی؛ «دفاع از حدیث ۱»، مهدی حسینیان قمی؛ «دفاع از حدیث ۵۸»، همو؛ «دفاع از حدیث ۵۹»، همو؛ «دفاع از حدیث ۱۰»، همو؛ «دفاع از حدیث ۱۱»، همو.

۱۹. ر.ک: «النقد اللطيفة على الكتاب المسمى بالأخبار الدخيلة»، ص ۱۳۶؛ «سخنی درباره الأخبار الدخيلة علامه (محقق) شوشتری»، ص ۱۶، ۱۸-۱۹؛ نیز: «روش علامه شوشتری در نقد سنده»، ص ۷۸، پانویشت ۲۳.

۲۰. ر.ک: «آية الله علامه حاج شيخ محمدتقي شيخ (شوشتری) رجالی عظیم معاصر»، ص ۹. «سخنی درباره الأخبار الدخيلة علامه (محقق) شوشتری»، ص ۱۸ نسبت روایات موضوع - که در کتاب تصریح به جعل آنها شده - به کل روایات مذکور در کتاب را  $\frac{1}{35}$  (چهل تا از هزار روایت) دانسته است (نیز ر.ک: «گفتگو با آية الله رضا استادی»، ص ۱۳-۱۴).

۲۱. ر.ک: «دفاع از حدیث ۹»، ص ۱۲۵-۱۲۶.

۲. نحوه دستبندی روایات در فصل‌ها یکی از مهم‌ترین کاستی‌های این کتاب است. عدم پایبندی به معیاری واحد برای تفکیک فصل‌های کتاب، تکراری بودن پاره‌های عناوین، روشن نبودن منظور مؤلف از عنوان بعضی فصول و ناسازگاری روایات با عناوین، موجب بی‌نظمی در تنظیم احادیث کتاب شده است. به علاوه، هماهنگی نداشتن فصول کتاب با فصل‌بندی رایج در کتب فقهی موجب دشواری استفاده از کتاب شده است. البته باید پذیرفت که دستبندی جامع و مانع روایات با توجه به تنوع و گستردگی موضوعات طرح شده درباره آنها کاری دشوار و شاید غیرممکن باشد، ولی با افزودن فهرست روایات در انتهای کتاب می‌توان این نقص را تا حد زیادی جبران کرد.

۳. در بسیاری موارد آنچه به عنوان نظر مؤلف مطرح شده، بیش از یک احتمال و گمان نیست و استدلال‌های ذکر شده نافی دیگر احتمالات نیست، ولی تعبیر او چنان است که از آن قطع و جزم برداشت می‌شود.

۴. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، علامه شوشتری مشابه همین کار را در کتاب‌های دیگر خود نظیر النجعة و قاموس الرجال انجام داده است که باید مواردی که در الأخبار الدخيلة نیامده، از کتاب‌های دیگر استخراج و به فصول مربوط اضافه شود. همچنین مطالب مذکور در مجلدات دوم تا چهارم باید در جلد اول درج شود. بدین ترتیب، مجموعه‌ای کامل از دیدگاه‌ها و انتقادات وی یکجا گرد آید.

۵. کتاب الأخبار الدخيلة نیازمند چاپ تحقیقی و منقح است. ذکر مصادر روایات و منقولات در پانوشت و تهیه فهرست علمی نظیر فهرست اعلام و اماکن، فهرست آیات و روایات، فهرست مصادر و ... از لوازم کار علمی و تحقیقی شایسته است.<sup>۲۲</sup>

### ضرورت نقد احادیث

علامه شوشتری در ضمن مباحثی که در نقد احادیث جعلی طرح کرده، بارها بر اهمیت و لزوم این کار تأکید کرده است. او معتقد است روایات از گزند جعل و دس در امان نمانده‌اند و بزرگان شیعه، از گذشته تا کنون، به این موضوع توجه داشته‌اند و از این‌رو، در پذیرش اخبار منقول و منسوب به معصومان علیهم‌السلام بسیار دقت و احتیاط می‌کردند.<sup>۲۳</sup> مثلاً بارها به یونس بن عبدالرحمان، از باران و راویان امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام،<sup>۲۴</sup> گفته می‌شد: چقدر زیاد روایاتی که شیعیان نقل می‌کنند، انکار می‌کنی! و او به این روایت از امام صادق علیه‌السلام استناد می‌کرد:

۲۲. با این‌که آیه الله استادی در نشریه آینه پژوهش سال ششم (مرداد و شهریور ۷۴) بنابر هماهنگی انجام شده با سرپرست دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم وعده داده بودند چاپ تحقیقی و مهذب کتاب تحت نظر شخص ایشان و با همکاری گروهی از فضلا در دو مجلد با نام ترتیب الأخبار الدخيلة و تهذیبها منتشر شود، با گذشت بیش از دوازده سال همچنان این وعده تحقق نیافته است.

۲۳. ر.ک: الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۱۷.

۲۴. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۴۴۶-۴۴۸.

لا تقبلوا علينا حديثاً إلا ما وافق القرآن و السنه أو تجدون معه شاهداً من أحاديثنا المتقدمه فإن المغيرة بن سعيد دس في كتب أصحاب أبي ما لم يحدث بها أبي.<sup>٢٥</sup>

همچنین می‌گفت: کتاب‌های زیادی از اصحاب امام صادق را به امام رضا علیه السلام عرضه کردم و او انکار کرد که بسیاری از احادیث موجود در آنها از امام صادق باشد و آن‌گاه این روایت را از امام نقل کرد:

إن أصحاب أبي الخطاب يدسون إلى يومنا في كتب أصحاب الصادق فلا تقبلوا علينا خلاف القرآن....<sup>٢٦</sup>

محدثان بزرگ و نقادان حدیث متقدم نیز همین سخت‌گیری‌ها را درباره حدیث و راویان آن به خرج می‌دادند؛<sup>٢٧</sup> چنان‌که احمد بن حسین غضایری درباره احمد بن محمد بن خالد برقی گفته است: قمی‌ها او را طعن می‌کردند و این طعن بر خود او نبود، بلکه بر کسانی بود که از آنها روایت می‌کرد؛ چرا که او چندان به این موضوع اهمیت نمی‌داد. به همین سبب احمد بن محمد بن عیسی او را از قم اخراج کرد. البته بعدها او را به قم بازگذاشت و از او عذرخواهی کرد.<sup>٢٨</sup>

نظیر همین سخت‌گیری درباره ابن الولید استاد شیخ صدوق نقل شده است<sup>٢٩</sup> تا جایی که از شیخ صفار - که از سرشناسان قم و موثق بود - کتاب بصائر الدرجات را به سبب ضعف اسنادش نقل نکرد.<sup>٣٠</sup>

شوشتری بر آن است که جعل و تحریف روایات فقط از جانب غلات یا راویان ضعیف شیعی صورت نگرفته است، بلکه گاه ناصبان و مخالفان نیز با جعل اخبار عجیب و منکر درباره فضایل و کرامات ائمه علیهم السلام یا انتساب روایاتی در طعن و مثالب دشمنان به امامان، قصد تخریب دین و مخدوش کردن چهره شیعه در میان مردم داشته‌اند که متأسفانه این احادیث نیز به جوامع روایی ما راه یافته‌اند؛<sup>٣١</sup> چنان‌که از امام باقر علیه السلام روایت شده است:

روایاتی از ما نقل می‌کنند که ما نگفته‌ایم و افعالی به ما نسبت می‌دهند که انجام نداده‌ایم، برای این‌که مردم را از ما بیزار کنند.<sup>٣٢</sup>

٢٥. رجال الکشي، ص ٢٢٤.

٢٦. همان، ص ٢٢٤-٢٢٥.

٢٧. رک: الأخبار الدخيلة، ج ١، ص ٢١٧-٢١٨.

٢٨. خلاصه الأقوال في معرفة الرجال، ص ٦٣. او نظیر همین کار را درباره سهل بن زیاد آدمی نیز انجام داد و او را به ری تبعید کرد و مردم را از سماع و نقل روایت از او منع کرد (الرجال لابن غضائری، ص ١٢٥)، چرا که به گفته نجاشی (رجال النجاشی، ص ١٨٥) او را اهل غلو کذب می‌دانست.

٢٩. رجال النجاشی، ص ٣٤٨.

٣٠. الأخبار الدخيلة، ج ١، ص ٢١٨.

٣١. برای نمونه‌هایی از این موارد رک: الأخبار الدخيلة، ج ١، ص ١٢٣؛ درباره رؤیت امام زمان؛ ج ١، ص ١٤٨، ١٥٠، ١٤٩؛ درباره قصه جزیره خضراء؛ ج ٣، ص ٣١٧؛ درباره آیات نازل شده در شأن ائمه؛ ج ٤، ص ٣١٤. در روایات مسخ بنی‌امیه به صورت سوسمار.

٣٢. شرح نهج البلاغه، ج ١١، ص ٤٣.

همچنین از امام رضا<sup>ع</sup> پرسیدند: روایاتی درباره فضایل امیرالمؤمنین و اهل بیت از سوی مخالفان به ما رسیده است حال آن‌که ما چنین مطالبی را از خودتان نشنیده‌ایم، آیا اینها را بپذیریم؟ و امام پاسخ داد:

مخالفان ما اخباری در فضایل ما جعل کرده‌اند که سه قسم‌اند: غلو درباره ما، تقصیر در افعال ما و تصریح به مثالب دشمنان...<sup>۳۳</sup>

بنابراین، شوشتری تأکید می‌کند که تنها باید روایاتی را پذیرفت که قراین و شواهدی بر صحت آن وجود داشته باشد و مسلم است که نقل اخباری که کذبشان قطعی و ساختگی بودنشان هویداست، جایز نیست؛ چه موجبات تخریب دین و بدنامی مذهب را فراهم می‌آورد.<sup>۳۴</sup>

### معیارهای نقد حدیث

علامه شوشتری در کتاب الاخبار الدخيلة معیارهای متنوعی، اعم از معیارهای متنی و سندی، برای نقد روایات موضوع به کار بسته است. او صرفاً به دلیل وجود یک شاهد حکم به جعلی بودن روایت نداده و معمولاً شواهد و قراین متعددی بدین منظور برشمرده است. در ادامه، با بررسی و تحلیل آرای علامه شوشتری در نقد احادیث موضوع - که در باب دوم کتاب الأخبار الدخيلة آمده است،<sup>۳۵</sup> - مبانی و روش‌های نقد بیرونی و درونی اخبار جعلی را از دیدگاه وی شناسایی و طبقه‌بندی و برای هر یک نمونه‌هایی ذکر می‌کنیم.

### ۱. تعارض با قرآن

عرضه حدیث بر قرآن یکی از مهم‌ترین معیارهای نقد روایات است که در کلام پیامبر و امامان<sup>ع</sup> نیز بر آن تأکید شده است.<sup>۳۶</sup> بنابراین، چنانچه روایتی، حتی با سند صحیح، با نص صریح قرآن مخالفت یا تعارض داشته باشد، باید آن را کنار نهاد. علامه شوشتری در پاره‌ای موارد، به این معیار به عنوان شواهدی برای جعلی بودن روایت استناد کرده است.

یکی از این موارد، روایتی است که از امام باقر<sup>ع</sup> درباره «طلاق» که جز با محلل رجوع جایز

۳۳. عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۲. قال الرضا: یا ابن‌ابی‌محمود إن مخالفینا وضعوا أخباراً فی فضاءنا و جعلوها علی ثلاثة أقسام أحدها الغلو و ثانيها التقصیر فی أمرنا و ثالثها التصريح بمثالب أعدائنا فإذا سمع الناس الغلو فینا كَفَرُوا و شیعتنا و نسبواهم إلى القول بربوبیتنا و إذا سمعوا التقصیر اعتقدوه فینا و إذا سمعوا مثالب أعدائنا بأسمائهم تلبسوا بأسمائنا و قد قال الله عزَّ و جلَّ: «و لا تنسوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدواً بغير علم» (سوره انعام، آیه ۱۰۸).

۳۴. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۲۷.

۳۵. همان، ج ۱، ص ۸۸-۲۴۶، ج ۲، ص ۲۴۹-۲۵۲، ج ۳، ص ۳۰۵-۳۱۸، ج ۴، ص ۳۰۹-۳۱۴. در این صفحات جمعاً ۷۷ روایت بررسی شده که نه روایت از کتب عامه و بقیه آنها از کتاب‌های روایی شیعی نظیر: تفسیر الامام العسكري (۳۷ روایت)، الکافی (هفت روایت)، الغیبه شیخ طوسی (شش روایت)، کمال الدین (سه روایت) و کتاب‌های دیگر (از هر کدام یک روایت) نقل شده است.

۳۶. الأصول من الکافی، ج ۱، ص ۶۹: «إنَّ علی کلِّ حقِّ حقیقه و علی کلِّ صوابٍ نوراً فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه».



نیست» نقل شده است.<sup>۳۷</sup> به عقیده شوستری، از خبر چنین برداشت می‌شود که تنها طلاق نیاز به محلل دارد که مرد در زمان عده به زن رجوع کرده باشد، در حالی که این مخالف نص قرآن است: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرِوْفٍ أَوْ تَسْرِيعٌ بِإِحْسَانٍ... فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ»<sup>۳۸</sup> طبق آیه مرد در دوبار اول مخیر است بین «امساک بالمعروف»، یعنی رجوع به زن در عده و «تسریع بإحسان»، یعنی ترک زن تا زمانی که عده‌اش تمام شود.<sup>۳۹</sup>

گاهی نیز علامه در ضمن ایراداتی که به یک روایت وارد کرده، ناسازگاری و تعارض بخشی از روایت با قرآن را به عنوان قرینه‌ای بر جعلی بودن روایت ذکر کرده است؛ مثلاً در بخشی از روایت سعد بن عبدالله قمی و ماجرای ملاقات او با امام زمان علیه السلام، آمده است: «یهود پیش‌بینی می‌کردند فردی به نام محمد ظهور خواهد کرد که بر عرب مسلط می‌شود، همان‌گونه که بخت النصر بر بنی اسرائیل چیره شد».<sup>۴۰</sup> در حالی که این عکس بیان قرآن است؛ چه به تصریح قرآن یهودیان وعده آمدن پیامبر را به دشمنان خود می‌دادند که با ظهور خویش انتقام آنان را از دشمنان خواهد گرفت.<sup>۴۱</sup> آنچه علامه شوستری به عنوان تعارض با قرآن ذکر کرده، نروماً ناسازگاری با نص قرآن نیست، بلکه گاه مراد وی برداشت نادرست از آیات قرآن است که حکایت از جعلی بودن روایت دارد؛ برای نمونه در حدیثی با استناد به این‌که در آیه «وَلَنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَرُوا» خطاب به مردان است نه زنان، غسل جنابت بر زنان (در غیر مجامعت) واجب دانسته نشده است.<sup>۴۲</sup> به نظر شوستری با این تفسیر، نه تنها غسل بلکه احکام دیگر نظیر وضو و تیمم هم بر زنان واجب نیست، زیرا در همه این موارد<sup>۴۳</sup> خطاب به مردان است.<sup>۴۴</sup>

در مواردی نیز شوستری در تفسیری که از آیه‌ای از قرآن ارائه شده، مناقشه می‌کند و آن را نشانه

۳۷. الأخبار الدخيلة، ج ۶، ص ۷۵-۷۶.

۳۸. سوره بقره، آیه ۲۲۹-۲۳۰.

۳۹. الأخبار الدخيلة، ج ۳، ص ۳۰۷-۳۰۸. برای نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۳، ص ۳۱۲-۳۱۴. درباره دینه قتل خطا و عمد و تعارض آن با آیات قصاص در قرآن؛ ج ۲، ص ۲۵۰-۲۵۲. درباره علت مجزی بودن قربانی گاو برای پنج نفر به استناد داستان گاو بنی اسرائیل و تعارض آن با نقل قرآنی داستان.

۴۰. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۶۳.

۴۱. «وَوَكَّلْنَا مِنْ قَبْلِ يَسْتَفْتِيحُونَ عَلَى الْوَيْلِ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» (سوره بقره، آیه ۸۹). الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۰۱. برای نمونه‌های دیگر، رک: همان، ج ۱، ص ۱۸۱. درباره ميعاد چهل روزه شبه موسی با خدا؛ ج ۱، ص ۲۰۰. درباره سوره برائت.

۴۲. تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۱۲۴.

۴۳. «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا» (سوره مائده، آیه ۶)

۴۴. الأخبار الدخيلة، ج ۳، ص ۳۱۶-۳۱۷. برای نمونه دیگر، رک: همان، ج ۱، ص ۲۰۴. که در روایت مراد از انسان در «كَمَلِيَ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ» (سوره حشر، آیه ۱۶) یک فرد مشخص دانسته شده است؛ در حالی که به نظر علامه این با سیاق قرآن ناسازگار است و الف و لام در الانسان جنس است، نه عهد و دلالت بر عموم دارد.

وضع روایت می‌داند؛ مثلاً تفسیر مشهور و مأثور<sup>۴۵</sup> درباره آیه «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى»<sup>۴۶</sup> این است که چون جنس کفش موسی از پوست حیوان مرده بوده و موسی می‌خواستند وارد وادی مقدس شود، امر شد کفش‌هایش را بکنند، ولی در روایت دیدار سعد بن عبدالله قمی با امام زمان، این تفسیر رد شده است؛ با این استدلال که اگر نماز با آن کفش‌ها جایز بوده، در این صورت، ورود به آن مکان نیز با کفش ایرادی نداشته است؛ زیرا آن مکان مقدس‌تر از نماز نیست و اگر نماز با آن کفش‌ها جایز نبوده، پس موسی از حلال و حرام آگاهی نداشته و جهل موسی به شریعت هم عوض کفر است.<sup>۴۷</sup> اما چنین استدلالی از نظر علامه باطل است، زیرا اولاً انبیا پیش از وحی از شریعت آگاه نبوده‌اند و این عیبی بر آنان نیست. ثانیاً از کجا معلوم که موسی با کفش نماز می‌خوانده است و بالاتر از آن، از کجا معلوم احکام آن دو یکسان باشد.<sup>۴۸</sup> در ادامه، سعد تفسیر صحیح آیه را از امام زمان می‌پرسد و او پاسخ می‌دهد:

مراد از «اخلع نعلیک» این است که محبت خانواده‌ات را از قلبت خارج کن تا حبت نسبت به من خالص گردد.<sup>۴۹</sup>

به رأی شوشتری، این تفسیر از آیه مقبول نیست؛ زیرا حبّ خالق و محبت داشتن نسبت به مخلوقات از یک سنخ نیستند که با هم تزاحم داشته باشند و وجود یکی نافی دیگری باشد.<sup>۵۰</sup>

## ۲. مخالفت با حکم مشهور فقهی

یکی از شواهدی که علامه شوشتری برای شناسایی روایت جعلی بدان استناد کرده، تعارض حکم فقهی موجود در روایت با حکم مشهور در میان فقهای امامیه است؛<sup>۵۱</sup> به عنوان مثال، در روایتی از

۴۵. علل الشرایع، ج ۱، ص ۶۶. علامه ابن خبیر را صحیح با کالصحیح دانسته است؛ زیرا در سند آن ابان از اصحاب اجماع است و راوی آن ابن الولید خود از نقاد اخبار بوده است (الأخبار الدخیلة، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۰). البته در جواب گفته شده است که تعارض دو روایت و ترجیح یکی بر دیگری با استناد به مرجحات سندی و متنی بر کذب و وضع روایت مرجوح دلالت ندارد. «النقد اللطیفه علی الكتاب المسمی بالأخبار الدخیلة».

۴۶. سوره طه، آیه ۱۲.

۴۷. کمال الدین، ص ۴۶۰.

۴۸. الأخبار الدخیلة، ج ۱، ص ۱۰۰.

۴۹. کمال الدین، همانجا؛ نیز برای تفسیر تفصیلی این معنا رک: «النقد اللطیفه علی الكتاب المسمی بالأخبار الدخیلة»، ص ۱۵۷-۱۵۹.

۵۰. الأخبار الدخیلة، همانجا. شوشتری نظیر همین نقد را به تفسیر موجود در روایت از «کهمعص» وارد کرده است (رک: همان، ج ۱، ص ۱۰۰-۱۰۱). صافی گلپایگانی معتقد است این روایت تاویل آیه است، نه تفسیر و با روایات تفسیری دیگر در تعارض نیست؛ به علاوه، حروف مقطعه قرآن - که از رموز قرآن است - حاوی اسرار و علوم گوناگون است و نباید تفسیر آن را صرفاً در یک معنا، محصور کرد. «النقد اللطیفه علی الكتاب المسمی بالأخبار الدخیلة». برای نمونه دیگر، رک: الأخبار الدخیلة، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۷ و ج ۲، ص ۲۵۰. درباره تفسیر آیه «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى» (سوره بقره، آیه ۲۰۳). جالب این‌که معیار شوشتری فقط آرای شیعه نیست، زیرا در بخشی از این روایت مطلبی به اهل سنت نسبت داده شده که به نظر او آنان چنین قولی ندارند و این خود بر جعلی بودن روایت دلالت می‌کند (همان، ج ۲، ص ۲۵۰).

۵۱. در انتقاد به این معیار گفته شده، اگر روایتی مشتمل بر فتوایی غیرمشهور باشد، دال بر جعلی بودن آن نیست (رک: «دفاع از

امام جواد علیه السلام درباره گفتگوی میان امام باقر علیه السلام و ابن عباس،<sup>۵۲</sup> حکمی درباره «دیه قطع کف دست» آمده است که خلاف مشهور عالمان شیعه است و کلینی و صدوق به آن عمل نکرده‌اند و تنها شیخ طوسی و قاضی ابن براج به آن فتوا داده‌اند که حلی آن را رد کرده و خلاف اجماع امامیه دانسته است.<sup>۵۳</sup> نمونه دیگر، سؤالی است که سعد بن عبدالله قمی از امام زمان درباره «فاحشه مبینه»<sup>۵۴</sup> پرسیده و امام چنین پاسخ داده است:

آن عمل سحوق است نه زنا. کسی که مساحقه کند باید رجم شود...<sup>۵۵</sup>

شوشتری در ردّ این سخن می‌گوید:

کسی فاحشه مبینه را به سحوق تفسیر نکرده و همه آن را آزار و اذیت خانواده شوهر یا زنی زن دانسته‌اند. به علاوه، خبر حاکی از آن است که سحوق بدتر از زناست، در حالی که امامیه متفق‌اند که حدّ سحوق همچون حدّ زنا، بلکه کمتر از آن است؛ زیرا حدّ سحوق جلد است حتی اگر زن محصنه باشد.<sup>۵۶</sup>

شوشتری عمل نکردن بزرگان امامیه به خبر را از جمله قراین وضع خبر شمرده است؛ مثلاً روایتی که درباره سوسمار و وجوب غسل پس از کشتن آن در الکافی<sup>۵۷</sup> آمده است. علامه معتقد است این روایت جعلی است؛ زیرا کلینی آن را در باب غسل از ابواب طهارت نیاورده است و شیخ نیز - که همه اخبار اعم از صحیح و سقیم را در التهذیب گردآورده آورده - این روایت را نقل نکرده است و خلاصه این که روایت موضوع است؛ چرا که هیچ‌یک از قدا ما به آن عمل نکرده‌اند.<sup>۵۸</sup>

### ۳. تعارض با اعتقادات کلامی امامیه درباره معصومان علیهم السلام

موضوع هماهنگی و سازگاری روایات با آنچه جزء معتقدات مسلم و قطعی امامیه محسوب می‌شود، یکی از مهم‌ترین معیارهای علامه شوشتری در بازشناسی روایات جعلی از احادیث صحیح است. او روایات متعددی را بر مبنای همین معیار مجعول دانسته است که می‌توان آنها را بر مبنای مسائل

﴿ حدیث ۴۱۰، ص ۱۹.﴾

۵۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۴۷-۲۴۸، ج ۷، ص ۳۱۷.

۵۳. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۳۷. برای نقد این نظر، رک: «دفاع از حدیث ۴۱۰، همانجا. برای نمونه دیگر، رک: الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۶۹: درباره شهادت عبد.

۵۴. اشاره دارد به آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يُخْرِجَنَّ لَأَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مَبِينَةٍ» (سوره طلاق، آیه ۱) که زن مطلقه تا زمانی که مرتکب آن عمل زشت نشده، می‌تواند عده خود را در خانه شوهر بگذراند.

۵۵. کمال الدین، ص ۴۵۹-۴۶۰.

۵۶. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۹۸-۹۹. در نقد این نظر رک: «النقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالأخبار الدخيلة»، ص ۱۴۹-۱۵۲: که سحوق را نیز یکی از مصادیق فاحشه مبینه دانسته است. به علاوه، در بعضی روایات، سحوق از زنا بدتر دانسته شده است. به هر حال، این‌گونه اختلافات در روایات طبیعی است و نمی‌تواند دلیل بر ضعف یا وضع روایت تلقی شود.

۵۷. الکافی، ج ۸، ص ۲۳۲-۲۳۳.

۵۸. الأخبار الدخيلة، ج ۴، ص ۳۱۴.

اعتقادی - که با آنها سنجیده شده‌اند - به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

#### الف. رؤیت و ملاقات با امام زمان (عج) پس از غیبت

به نظر شوشتری، همه شیعیان می‌دانند که مشاهده امام زمان پس از غیبت ممکن نیست. بنابراین، روایاتی که به نحوی در آنها ادعای رؤیت شده، مردود و موضوع است. از این رو، وی فصل اول باب دوم کتاب خود را - که مربوط به اخبار موضوع است - چنین نام نهاده است: «فی أخبار جمع ادعوا مشاهدة القائم (عج)» و در آن به نقد و بررسی این دست روایات پرداخته است.<sup>۵۹</sup> جالب این است که در برخی از این روایات، ادعا شده است که جمعی از غیرشیعه موفق به دیدار حضرت شده‌اند و او خود را به آنها معرفی کرده و حتی پشت سر امام جماعت ایشان نماز خوانده است.<sup>۶۰</sup> یا این که امام در ایام حج حضور یافته و در حین طواف، در حالی که جمع کثیری به دورش جمع شده بودند، خود را به آنان معرفی کرده است.<sup>۶۱</sup> یا این که حتی از مخفی کردن خود از دید کسانی که وی را شناخته بودند، عاجز بوده است؛<sup>۶۲</sup> در حالی که حضرت در نامه خود به علی بن محمد سمري، آخرین سفیر خود، تأکید کرده است که هرکس ادعای مشاهده کند، کذاب و مفتری است.<sup>۶۳</sup>

حتی در برخی از روایات، زمان ظهور حضرت بسیار نزدیک شمرده شده و به راوی گفته شده خود و خانواده‌اش را برای ظهور آماده سازد. بطلان این ادعا کاملاً هویداست؛ چرا که الآن قریب به دوازده قرن از زمان غیبت می‌گذرد و هنوز زمان ظهور فرانسیده است.<sup>۶۴</sup>

#### ب. ناسازگاری با شأن ائمه علیهم‌السلام

در برخی روایات مطالبی ذکر شده که با شأن امام معصوم، آن گونه که مورد اعتقاد شیعیان است، سازگار نیست. شوشتری چنین مطالبی را علامت جعلی بودن حدیث می‌داند؛ به عنوان نمونه، در روایتی آمده است که فردی که زنی بدخلق داشت و مردّد بود که او را طلاق دهد، مسأله را از امام کاظم علیه‌السلام چویا شد. حضرت پاسخ داد:

پدر من دختر عموم را که بسیار بدخلق بود، به عقد من درآورده بود. چه بسیار می‌شد که در را به روی من و او می‌بست، ولی من از دیوار بالا می‌رفتم و می‌گریختم، تا این که پدرم فوت کرد و من او را طلاق دادم.

۵۹. برای نمونه رک: همان، ج ۱، ص ۱۱۱؛ درباره پرس و جوی علی بن ابراهیم اهوازی در مدینه برای یافتن امام زمان؛ قس: کتاب الغیبة، ص ۲۶۳.

۶۰. الأخبار الدخیلة، ج ۱، ص ۱۲۳؛ قس: الغیبة، ص ۲۹۹-۳۰۲. نیز رک: الأخبار الدخیلة، ج ۱، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۶۱. همان، ج ۱، ص ۱۲۶؛ قس: الغیبة، ص ۲۵۳-۲۵۴.

۶۲. الأخبار الدخیلة، همانجا؛ قس: الغیبة، ص ۲۵۴-۲۵۷.

۶۳. «...الا فمن ادعی المشاهدة قبل خروج السفیانی والصیحة فهو کذاب مفتر» (همان، ص ۳۹۵).

۶۴. الأخبار الدخیلة، ج ۱، ص ۱۱۶؛ قس: کمال الدین، ص ۴۵۱؛ نیز رک: الأخبار الدخیلة، ج ۱، ص ۱۲۶؛ «کذب الوقاتون»؛ قس: الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸-۳۶۹، باب کراهیه التوقیت. البته ممکن است مراد از آمادگی، بیان وظیفه افراد در زمان انتظار ظهور باشد، نه اعلام زمان ظهور (رک: «التعود للطیفة»، ص ۱۴۰).

و آن مرد پاسخ خود را دریافت کرد.<sup>۶۵</sup> به عقیده شوشتری چنین رفتاری در شأن دوامام نیست.<sup>۶۶</sup> نمونه دیگر، روایتی است که در آن سعد بن عبدالله قمی ملاقات خود با امام حسن عسکری و حضرت حجت علیه السلام را وصف کرده است. به گفته او، فرزند امام عسکری بر ران راست پدر نشسته بود و امام اناری زرین و مزین به جواهرات در دست داشت. در دست امام قلمی بود که وقتی می خواست با آن چیزی بنویسد، فرزند مانع می شد و امام برای سرگرم کردن او، انار را مقابل او می چرخاند.<sup>۶۷</sup> به نظر شوشتری یکی از نشانه های امام این است که اهل لهو و لعب نباشد و در این باره به روایتی از خردسالی امام کاظم و امام جواد علیه السلام استناد کرده است.<sup>۶۸</sup> به علاوه، در دست گرفتن انار زرین و جواهرنشان کردار خوشگذرانان عیاش و دنیاطلب است، نه امامان که از دنیا و متعلقات آن روی گردان بوده اند.<sup>۶۹</sup>

### ج. انتساب معجزات عجیب و غریب به پیامبر و امامان علیهم السلام

سنت الهی در ارسال پیامبران و اظهار معجزه به دست ایشان این است که حجت بر مردمان تمام شود. بدین سبب، هیچ گاه انبیا نه تنها به درخواست و پیشنهاد جاهلان و معاندان - که نه به قصد هدایت بلکه از روی لجابت و سرکشی از حق بوده است - وقعی ننهادند و همواره از اجابت این نوع خواسته ها سرباز زده اند. این موضوع در آیات قرآن نیز تأکید شده است.<sup>۷۰</sup> به رأی شوشتری این اصل یکی از معیارهای مهم شناخت احادیث صحیح فضایل و کرامات است و تفسیر منسوب به امام عسکری انباشته از روایات مجعولی است که متعارض با سنت الهی و تصریح قرآن است و چنین تصور می شود که پیامبران به تمام پیشنهادها و تقاضاهای معجزه خواهان پاسخ مثبت می داده اند.<sup>۷۱</sup>

### د. غلو در مناقب ائمه علیهم السلام

شوشتری بر آن است که ریشه بسیاری از مناقب و فضایلی که برای ائمه ذکر شده، اخبار و روایاتی

۶۵. الکافی، ج ۶، ص ۵۵.

۶۶. الأخبار الدخیلة، ج ۳، ص ۳۰۵-۳۰۶. برای نمونه مشابه رک: همان، ج ۳، ص ۳۰۷ که در آن به تفصیل درباره سه طلاق کردن یکی از زنان توسط امام باقر علیه السلام سخن گفته شده است؛ قس: الکافی، ج ۶، ص ۷۵-۷۶.

۶۷. کمال الدین، ص ۴۵۴.

۶۸. رک: الکافی، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۸۵، ۳۱۱؛ دلائل الامامة، ص ۴۰۱-۴۰۲. برای پاسخ به این دیدگاه و توجیه لعب امامان در خردسالی رک: «النقود الطیفة»، ص ۱۵۲-۱۵۴.

۶۹. الأخبار الدخیلة، ج ۱، ص ۹۹. برای نمونه های دیگر رک: همان، ج ۱، ص ۱۱۱؛ درباره رفتار تخبترآمیز سفیر امام؛ ج ۱، ص ۱۱۹؛ درباره عبارات تکلف آمیز منسوب به امام زمان، در حالی که دعایی همچون دعای افتتاح در آن سطح فصاحت و بلاغت از آن حضرت صادر شده است.

۷۰. «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِذَا كُفِّرُوا \* وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَمُوتَ لَنَا مِنْ الْأَرْضِ يَبُوعًا \* أَوْ تَكُونَ لَكَ حِجَّةٌ مِنْ نَجِيلٍ وَعِنَبٌ فَتَمُوتَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا \* أَوْ تُسْقَطَ السَّمَاءُ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَنَا بِاللَّوِّ وَالْمَلْأِكَةِ قَيْلًا \* أَوْ يَكُونُ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُرْقٍ أَوْ تُزَفَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِزَيْكٍ حَتَّى تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِذَا بَشَرًا مَرْسُومًا» (سوره اسراء، آیه ۸۹-۹۳).

۷۱. همان، ج ۱، ص ۲۱۲. برای نمونه های از این دست روایات، رک: التفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسکری، ص ۴۲۹-۴۴۱.

است که غلات جعل کرده و در میان شیعیان رواج داده‌اند؛<sup>۷۲</sup> مثلاً در یکی از همین گونه روایات آمده است که خورشید جواب سلام علی<sup>علیه السلام</sup> را داده و او را با اوصاف خدا خطاب کرده است. عجیب آن‌که ابوبکر و عمر و مهاجران و انصار شاهد این ماجرا بودند و به قدری از این حادثه متعجب شدند که به پیامبر گفتند:

چگونه می‌گویی علی بشر است، در حالی که خورشید او را به اوصافی که خدا خود را به آنها خوانده، خطاب کرد.<sup>۷۳</sup>

شوشتری این اخبار را به قطع برساخته غلات می‌داند که صدای رعد را صدای علی در آسمان می‌دانستند.<sup>۷۴</sup> بویژه که ائمه<sup>علیهم السلام</sup> همیشه از این‌که صفات الهی به ایشان نسبت داده شود، ابراز ناخرسندی می‌کردند و به شدت از آن نهی می‌کردند تا دستاویزی برای غالیان فراهم نشود.<sup>۷۵</sup>

#### ۵. تعارض با مسلمات تاریخی امامیه

گاه در روایات مطالبی دیده می‌شود که با مسلمات امامیه در تعارض است؛ مثلاً در روایت ملاقات علی بن ابراهیم بن مهزیار با امام زمان، گفته شده او برادری به نام موسی داشته است که خلاف اجماع امامیه است.<sup>۷۶</sup>

#### ۴. تعارض با عقل یا علم

برخی از انتقادات شوشتری بر روایاتی که در شمار احادیث موضوع آورده، مبتنی بر ادله عقلی یا مسلمات علمی است؛ نمونه‌هایی از این دست روایات در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری آمده است. از جمله این‌که علی<sup>علیه السلام</sup> برای نجات جان ثابت بن قیس - که توسط منافقی به چاه انداخته شده بود - خود را به چاه انداخت، ولی پیش از ثابت به ته چاه رسید. پیامبر وقتی این موضوع را شنید، گفت:

چطور زودتر نرسی در حالی که سنگین‌تر از او هستی و در سنگینی تو همین بس که علم اولین و آخرین نزد توست!<sup>۷۷</sup>

۷۲. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۱۵.

۷۳. کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ص ۴۵۳ - ۴۵۴؛ عیون المعجزات، ص ۴ - ۵.

۷۴. رک: عبدالله بن سبأ و أساطیر آخری، ج ۲، ص ۳۲ - ۳۴.

۷۵. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۴۰. جالب‌تر اخباری است که فضایی غلو آمیز برای وابستگان ائمه نقل می‌کند؛ از جمله در روایتی درباره خوله مادر محمد حنفیه گفته شده او در هنگام ولادت سخن گفته است و هر آنچه گفته بوده، در لوحی نوشته شده و همراه خود داشته است و حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> دیگران را از این کلمات آگاه کرده است (رک: الروضة، ص ۳۵ - ۳۹). گویی شأن این زن از مریم<sup>علیها السلام</sup> - که خدا او را بر زنان عالم برتری داده - فراتر بوده است (رک: الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۴۵).

۷۶. همان، ج ۱، ص ۱۰۸، ۱۱۶؛ قس: کمال الدین، ص ۴۶۵ - ۴۷۰. به علاوه، در این دو روایت از امام زمان با نام یاد شده است، در حالی که روایات متعددی از نام بردن او نهی شده است (الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۱۶؛ نیز برای رد این نظر، رک: «النقود اللطيفة...»، ص ۱۳۹ - ۱۴۰).

۷۷. تفسیر الامام العسکری، ص ۱۰۸ - ۱۰۹.

## شوشتری در نقد این حدیث می‌گوید:

سرعت سقوط اشیا به سنگینی جسم وابسته است، نه زیادی علم.<sup>۷۸</sup>

نمونهٔ دیگر، روایتی است با این مضمون که فرشتگان اشک کسانی را که به خاطر کشته شدن حسین علیه السلام گریه می‌کنند، گرفته با آب‌های بهشتی می‌آمیزند تا گواراتر شود و اشک کسانی که به خاطر قتل حسین می‌خندند، با حمیم جهنم مخلوط می‌کنند تا حرارت و عذابش فزونی یابد!<sup>۷۹</sup> کدام عاقلی اشک کسی که می‌خندد، دیده است؟<sup>۸۰</sup> مثال دیگر، روایتی است دربارهٔ بلندای قامت آدم که پایش بر کنارهٔ کوه صفا و سرش پایین‌تر از افق آسمان بود و از گرمای خورشید به خدا شکایت کرد. خدا نیز به جبرئیل فرمان داد تا او را فشار دهد تا قدش به هفتاد ذراع رسید.<sup>۸۱</sup> شوشتری می‌گوید:

با فشار جبرئیل و کوچک شدن آدم تا هفتاد ذراع، آن هم به ذراع بلند آدم، بازهم محذور باقی است. زیرا هیچ ساختمانی نمی‌تواند آدم هفتاد ذراعی را از گرمای خورشید محفوظ بدارد.<sup>۸۲</sup>

## ۵. ناسازگاری با تاریخ

از معیارهای صحت حدیث این است که با حقایق تاریخی، اعم از تاریخ اسلام و تاریخ امم پیشین سازگاری و همخوانی داشته باشد. بسیاری از انتقادات شوشتری به روایات ذیل همین عنوان می‌گنجد که به چند نمونه از آن در ادامه اشاره می‌شود:

سلیم بن قیس هلالی روایتی از محمد بن ابی‌بکر نقل کرده با این مضمون که به هنگام احتضار ابوبکر، بر بالین پدر حضور داشته و هر چه اصرار کرده تا شهادتین بگوید، نگفته تا مرده است؛<sup>۸۳</sup> در حالی که او به هنگام وفات پدر، دو سال و اندی بیش نداشت است.<sup>۸۴</sup> نمونهٔ دیگر، روایتی است که از

۷۸. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۷۵. با این‌که اصل انتقاد شوشتری صحیح است. ولی مشکل روایت فراتر از این است؛ زیرا حتی اگر علی علیه السلام سنگین‌تر هم می‌بود، زودتر به ته چاه نمی‌رسید. این یک قانون سادهٔ فیزیک است که سرعت سقوط اجسام به وزن آنها بستگی ندارد و اگر دو جسم غیر هم‌وزن هم‌زمان از نقطهٔ ثابتی رها شوند، هم‌زمان به زمین می‌رسند. این مطلبی است که امروزه یک دانش‌آموز دبیرستانی از آن مطلع است.

۷۹. تفسیر الامام العسکری، ص ۳۶۹ - ۳۷۰.

۸۰. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۸۷. برای نمونهٔ دیگر، رک: همان، ج ۱، ص ۱۸۹. به عقیدهٔ شوشتری اینها روایاتی است که مخالفان و غالبان برای تشیع شعبه جعل کرده‌اند؛ نظیر آنچه در تفسیر سورهٔ نجم گفته شده که ستاره‌ای که سقوط کرد، به عنوان نشانهٔ امامت در خانهٔ علی افتاد (رک: الروضة فی فضائل أمير المؤمنين علی بن ابی طالب، ص ۱۷۲ - ۱۷۳). حال آن‌که کوچک‌ترین ستارگان نیز از کرهٔ زمین بزرگ‌ترند (رک: الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۱۷ - ۲۱۸).

۸۱. الکافی، ج ۸، ص ۲۳۳.

۸۲. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۳۸ - ۲۳۹. با این‌که ظاهراً در مجعول بودن این دست روایات تردیدی نیست، ولی همچنان هستند کسانی که در مقام حمایت از دین و سنت معصومان علیهم السلام، از چنین روایاتی هم دفاع می‌کنند و آن را کاملاً منطقی و معقول می‌شمارند (رک: «دفاع از حدیث ۵۱۰»، ص ۲۳؛ نیز بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۲۷ به بعد). برای نمونه‌های دیگر، رک: الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۳۴. دربارهٔ سخن گفتن گاوان؛ ج ۳، ص ۳۰۷ - ۳۰۸. ماجرای سه‌سلاقه کردن امام باقر و این‌که آن زن چورنان مجسمه هیچ اعتراضی نمی‌کرده است؛ ج ۳، ص ۳۱۵ - ۳۱۶. استفسار از امام صادق دربارهٔ بازسازی سقف مسجدی که به قبر پیامبر اشراف داشت و نهی حضرت از این کار به سبب نگرانی از این‌که مبادا پیامبر با یکی از زنانش دیده شود!

۸۳. اسرار آل محمد، ص ۳۴۸ - ۳۵۰.

۸۴. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۳۳. مجلسی در توجیه این مطلب گفته است شاید از طرف ناسخان یا روات تصحیفی [در نام محمد

ملاقات ابراهیم بن مهزیار با امام زمان سخن گفته است.<sup>۸۵</sup> ولی به نظر شوشتری از اخبار چنین حاصل می‌شود که او وکیل امام حسن عسکری علیه السلام بوده و پس از او در زمان حیرت از دنیا رفته است. شاهد آن، این‌که اموال امام عسکری را که نزدش بوده، به فرزندش می‌سپارد تا به امام زمان برساند.<sup>۸۶</sup> مشابه آن، روایتی است که اصمعی از امام زین‌العابدین نقل کرده است؛<sup>۸۷</sup> حال آن‌که اصمعی اصلاً امام را درک نکرده است.<sup>۸۸</sup>

یکی دیگر از این قبیل روایات - که با حقایق تاریخی کاملاً ناسازگار است - روایتی است که ابوجهل به پیامبر گفت اگر واقعاً نبی است با صاعقه او را بسوزاند، و پیامبر پاسخ داد:

عذاب از تو برداشته شده، زیرا از صلب تو فرزندی پاک [یعنی عکرمه] زاده می‌شود.<sup>۸۹</sup>

در حالی که می‌دانیم پیامبر به هنگام فتح مکه دستور داد عکرمه را، حتی اگر به پرده کعبه آویخته بود، بکشند و او گریخت و بعدها به ناچار اسلام آورد.<sup>۹۰</sup> نظیر آن، روایتی است که در آن، مراد از ناس در آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ»<sup>۹۱</sup> گروهی از صحابه چون بلال، صهیب، ختاب، عمار یاسر و والدین او ذکر شده است؛<sup>۹۲</sup> حال آن‌که همگان اذعان دارند که این آیه در شأن فداکاری علی علیه السلام در ليله‌المبیت نازل شده است.<sup>۹۳</sup>

➡ بن‌ابی‌بکر] صورت گرفته باشد یا این‌که این از معجزات علی علیه السلام باشد که در محمد بن ابی‌بکر ظاهر شده است [و کودک دو ساله را چنین به سخن واداشته است] [بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۱۳۳ - ۱۳۴]؛ ولی شوشتری (الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۳۴) در ردّ این توجیهات گفته است: اولاً امکان تصحیف منتفی است، زیرا نام محمد بن ابی‌بکر مکرر در روایت ذکر شده و در پایان روایت نیز مطلبی درباره شهادت او آمده است که قرینه‌ای بر صحت آن است؛ ثانیاً سیاق روایت حاکی از آن است که محمد بن ابی‌بکر در آن زمان مرد کاملی بوده است و اگر تکلم او معجزه محسوب می‌شد، به نحوی در روایت بدان اشاره می‌شد. مشابه همین خبر، روایتی است که سیاق آن بر گفتگو میان امام باقر و ابن‌عباس در زمان امامت حضرت دلالت دارد؛ در حالی که امام باقر در آن زمان خردسال بوده است (رک: همان، ج ۱، ص ۲۳۵ - ۲۳۶؛ قس: الکافی، ج ۱، ص ۲۴۷ - ۲۴۸).

۸۵. کمال‌الدین، ص ۴۴۵ - ۴۵۳.

۸۶. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۱۸. برای نمونه مشابه، رک: همان، ج ۱، ص ۱۰۲ - ۱۰۳؛ درباره احمد بن اسحاق.

۸۷. مناقب آل ابی‌طالب، ج ۳، ص ۲۹۰ - ۲۹۱.

۸۸. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۴۶. وفات امام زین‌العابدین به سال ۹۵ هجری و تولد اصمعی پس از ۱۲۸ بوده است. برای نمونه‌های دیگر، رک: همان، ج ۱، ص ۱۶۳؛ دربارهٔ براء بن معرور و وفات او قبل از خیبر؛ ج ۱، ص ۱۵۸؛ دربارهٔ گفتگوی حجاج و مختار در حالی که مختار در سال ۶۷ در فتنه ابن‌زبیر کشته شد و حجاج در سال ۷۵ والی عراق شد.

۸۹. تفسیر الامام العسکری، ص ۵۱۳.

۹۰. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۶۴ - ۱۶۵. او حتی پس از وفات پیامبر هم حامی ابوبکر و دشمن علی بود.

۹۱. سوره بقره، آیه ۲۰۷.

۹۲. تفسیر الامام العسکری، ص ۶۲۲ - ۶۲۸.

۹۳. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۶۸ - ۱۶۹. به علاوه، در ادامه روایت گفته شده که صهیب به ولایت علی علیه السلام اعتراف کرده است، ولی در منابع شیعی، صهیب از دشمنان علی و محبّان عمر شمرده شده است. برای نمونه‌های مشابه، رک: همان، ج ۱، ص ۱۷۹ - ۱۸۰؛ دربارهٔ سعد بن معاذ و فوت او قبل از درک فتنه که حب و بغض او نسبت به علی آشکار شود؛ ج ۱، ص ۱۸۵؛ دربارهٔ سدّ ابواب خانه‌ها به مسجدانسی به جز خانه عباس در حالی که عباس هنوز اسلام نیاورده و در مدینه نبوده؛ ج ۱، ص ۱۹۵، ۱۹۸؛ که آیه «وَوَدَّ كَيْفَ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُّوْكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَمَا رَأَى حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَعْتَوْا وَأَصْفَحُوا حَتَّى



## ۶. تعارض با سنت

عرضه روایات بر حدیث معتمد یا بر مجموعه‌های از روایات وارد شده در یک موضوع یکی از راه‌های تمییز روایات صحیح از موضوع است. البته این بدان معنا نیست که هر حدیثی می‌تواند در این سنجش میزان قرار بگیرد، بلکه در تعارض، تنها روایاتی مبنای تشخیص سره از ناسره‌اند که به دلیل تواتر یا تعدد نقل یا وجود قرآینی از قرآن و عقل و دیگر معیارهای ارزیابی حدیث در انتساب آنها به معصوم اطمینان حاصل شده باشد. علامه شوشتری نیز در نقد احادیث موضوع، بارها از همین معیار استفاده کرده و به احادیث صحیح و مورد اعتماد خویش استناد جسته است.

نمونه‌ای از این نوع نقد را پیش‌تر درباره روایاتی که در آنها ادعای ملاقات و رؤیت امام زمان شده بود، دیدیم. مثال دیگر در این زمینه، داستان جزیره خضراست. از جمله دلایلی که بر ساختگی بودن این داستان دلالت دارد، تعارض آن با دیگر روایاتی است که از صدور فی‌الجمله مطمئنی برخوردارند. جزیره خضرا، جزیره‌ای است افسانه‌ای که گویا یکسر در اختیار فرزندان و دوستان حضرت مهدی است.<sup>۹۴</sup> این در شرایطی است که روایات دیگر ظهور امام زمان (عج) را زمانی معرفی می‌کنند که سیصد و اندی یار برای حضرت فراهم شده باشد، چه رسد به این‌که یک سرزمین وسیع و همه ساکنان آن در خدمت او باشند. افزون بر این، بنابر روایات جزیره خضرا، چندین نسل پس از حضرت در آنجا زندگی می‌کنند، در حالی که در روایات، دیگر فرزند داشتن امام در زمان غیبت نفی شده است.<sup>۹۵</sup>

یکی از اشکالات اساسی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام اشتمال بر روایات متعارض با احادیث و اخبار موجود در دیگر کتب روایی شیعه است. شوشتری موارد متعددی از این روایات را ذکر کرده و این اختلافات را به عنوان قرینه بر جعلی بودن روایات این کتاب تلقی کرده است؛ به عنوان نمونه، گفته شده آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»<sup>۹۶</sup> در شأن ابولبابه بن عبدالمنذر نازل شده است؛<sup>۹۷</sup> در حالی که او از انصار مؤمن و مخلص بود و بنابر روایات شیعی و سنی آیه «وَآخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ»<sup>۹۸</sup> در شأن او نازل شده است.<sup>۹۹</sup>

۹۴. بَابِي اللَّهِ بِأَمْرِهِ (سوره بقره، آیه ۱۰۹) را در مورد اهل مکه و تبعید ایشان به خارج از جزیره‌العرب دانسته است؛ با این‌که آیه درباره اهل کتاب مدینه و اجلائی آنان است؛ و موارد متعدد دیگر: همان، ج ۱، ص ۱۹۹-۲۰۰، ۲۰۲-۲۰۳، ۲۰۷، ۲۱۱.

۹۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹، ج ۵۳، ص ۳۱۹ به بعد.

۹۶. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۴۸-۱۵۰. برای دیگر انتقادات شوشتری به محتوای این روایات، رک: همان، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۴۸.

۹۷. سوره بقره، آیه ۶.

۹۸. تفسیر الامام المسکری، ص ۹۲-۹۸.

۹۹. سوره توبه، آیه ۱۰۲.

۱۰۰. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۴. برای نمونه‌های دیگر، رک: همان، ج ۱، ص ۱۶۴؛ داستان حزقیل و فرعون؛ ج ۱، ص ۱۸۰.

مثال دیگر، روایتی منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام است که ماجرای گفتگوی پدرش با ابن عباس را تعریف کرده و در آن سبب کوری ابن عباس در اواخر عمر، انکار اختصاص ليله القدر به علی بن ابی طالب دانسته شده است.<sup>۱۰۰</sup> این، در حالی است که ابن عباس همیشه در زمره دوستداران و حامیان ائمه بوده و سبب کوری او نیز گریه برای علی، حسن و حسین علیهم السلام نقل شده است.<sup>۱۰۱</sup>

همین دیدگاه انتقادی درباره روایات فقهی نیز کارگشاست؛ چنان که شوشتری در نقد روایت «سه طلاقه کردن امام باقر»،<sup>۱۰۲</sup> روایاتی را آورده که در آنها از انجام چنین کاری نهی شده است.<sup>۱۰۳</sup>

#### ۷. مقایسه با اخبار مشابه

یکی از روش‌های جالب توجه شوشتری - که از وسعت اطلاع و تسلط فراگیر او بر روایات حکایت دارد - مقایسه حدیث جعلی با روایات مشابه در همان موضوع است. با این روش، ریشه و خاستگاه روایت جعلی روشن شده و در مواردی انگیزه جاعل از بر ساختن آن نیز آشکار می‌شود.

مثلاً در روایتی درباره مهدی آمده است:

لا ینذهب الدنیا حتی یبعث الله رجلاً من أهل بیتی یواطئ اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی حتی یملاها قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً.<sup>۱۰۴</sup>

فقره «اسم ابیه اسم ابی» افزوده واضح است و در روایات مشابه - که با اسناد مختلف نقل شده - نیست.<sup>۱۰۵</sup> احتمالاً واضح روایت منصور دوانیقی بوده که می‌خواسته اخبار متواتر درباره مهدی را برای پسرش مهدی - که نامش محمد و نام پدرش (منصور) عبدالله بوده - مصادره کند؛ چنان که عبدالله بن حسن محض درباره پسرش محمد ادعایی مشابه داشته است.<sup>۱۰۶</sup>

نمونه دیگر روایتی است که خطیب بغدادی در تاریخ بغداد از پیامبر نقل کرده است:

إذا رأیتم معاویة یخطب علی مَثبِری فاقبلوه فإنه أمين مأمون.<sup>۱۰۷</sup>

۱۰۰. درباره معاد چهل شبه موسی با خدا؛ ج ۱، ص ۱۸۷-۱۸۸. ماجرای به آسمان رفتن عیسی و مصلوب شدن فردی شبیه او؛ ج ۱، ص ۱۸۸-۱۸۹. فردی که خون پیامبر را نوشید؛ ج ۱، ص ۲۰۷-۲۰۸. زید بن حارثه و فرزندخواندگی او؛ و موارد متعدد دیگر که در همگی، روایت این کتاب با نقل مشهور و صحیح در شیعه و اهل سنت مخالف است.

۱۰۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۴۷، ج ۷، ص ۳۱۷.

۱۰۲. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۴۸-۱۵۰. برای دیگر انتقادات شوشتری به محتوای این روایت، ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۴۸.

۱۰۳. الکافی، ج ۶، ص ۷۵-۷۶.

۱۰۴. الأخبار الدخيلة، ج ۳، ص ۳۰۷. قس: من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۰۱-۵۰۲. با این که ملامحسن فیض کاشانی در الوالی کوشیده به نحوی میان این روایات جمع کند، ولی از نظر شوشتری جمع ممکن نیست، زیرا در روایات اخیر از اصل عمل نهی شده است.

۱۰۵. مصنف ابن ابی شیبہ فی الأحادیث و الآثار، ج ۱، ص ۶۷۸.

۱۰۶. برای نمونه ر.ک: کمال الدین، ص ۲۸۶، ۴۱۱؛ شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ج ۳، ص ۵۶۶؛ دلائل الامامة، ص ۴۷۷؛ روضة الواعظین، ص ۲۶۱.

۱۰۷. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۲۹-۲۳۰.

۱۰۸. تاریخ بغداد أو مدينة السلام، ج ۱، ص ۲۷۵.

اصل خبر چنین است:

إذا رأيت معاوية يخطب علي منبري فاقتلوه.<sup>۱۰۸</sup>

جالب این‌که واضح به تغییر لفظ «فاقتلوه» به «فاقبلوه» بسنده نکرده و در پایان روایت «فإنه أمين مأمون» هم افزوده تا شاهد صحت روایت باشد.<sup>۱۰۹</sup> از همین سنخ، روایاتی است که در آنها شأن نزول مجعول برای آیات ذکر شده است که نمونه‌های از این روایات را پیش‌تر ملاحظه کردیم.<sup>۱۱۰</sup> گاهی نیز واضح دو روایت مختلف را به هم آمیخته و روایت سومی بر ساخته است.<sup>۱۱۱</sup> برخی از روایات مجعول - که در کتب روایی شیعه وارد شده - یک روایت موضوع عامی داشته و با اندکی تغییر به کتب شیعی راه یافته است؛ مثلاً دربارهٔ روایت مربوط به بلندی قامت آدم - که پیش‌تر سخن از آن رفت - شوشتری اصل عامی روایت را یافته و با هم مقایسه کرده است.<sup>۱۱۲</sup>

#### ۸. نقد درونی روایت

علامه شوشتری در الأخبار الدخيلة علاوه بر نقدهای بیرونی، اعم از نقد سندی و متنی روایات، به نقد درونی آنها نیز پرداخته است. وی با تحلیل دقیق محتوای روایت و موشکافی و ریزبینی، تناقض‌ها و تعارض‌های بخش‌های مختلف متن روایت را شناسایی کرده و شاهی بر جعلی بودن آن قرار داده است که در ذیل برخی نمونه‌ها آمده است:

در روایتی منسوب به امام صادق (ع) دربارهٔ حج آمده است:

گناهان مؤمن و کافر در حج آمرزیده می‌شود.<sup>۱۱۳</sup>

ولی کفار اصلاً حج نمی‌گذارند که آمرزیده شوند.<sup>۱۱۴</sup> در روایت «سه طلاقه کردن امام باقر» آمده است:

این کار را کردم زیرا نیازی به این زن نداشتم.<sup>۱۱۵</sup>

۱۰۸. وقعة صفین، ص ۲۱۶.

۱۰۹. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۳۰ - ۲۳۱. برای تغییرات و تحریفات مشابه، ر.ک: همان، ج ۴، ص ۳۰۹ - ۳۱۰. ماجرای عثمان و علی دربارهٔ حج عمره و تمتع؛ و دربارهٔ مؤذنان پیامبر؛ الأخبار الدخيلة، ج ۳، ص ۳۱۰ - ۳۱۲. خبر مربوط به بهشتی بودن شیعة علی که به انتهای آن مطالبی افزوده شده است.

۱۱۰. مثلاً روایت مربوط به شأن نزول آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ» که برای پوشاندن فضایل امیرالمؤمنین جعل شده است (ر.ک: الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۶۷ - ۱۶۹)؛ نیز روایت مربوط به سد ابواب خانه‌های صحابه در مسجدالنبی که برای عباس عمومی پیامبر ساخته شده است (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۸۳ - ۱۸۵).

۱۱۱. ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۷۵ - ۱۷۹. دربارهٔ بریده اسلمی و حاطب بن ابی بلتعنه.

۱۱۲. همان، ج ۱، ص ۲۳۸ - ۲۳۹؛ قس: جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ذیل سوره بقره، آیه ۱۲۷.

۱۱۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۲۱ - ۵۲۲.

۱۱۴. الأخبار الدخيلة، ج ۲، ص ۲۵۰. البته ناقد شوشتری، مراد از کفار را کسانی دانسته که در دلشان شرک به خدا وجود دارد و برای امور دنیوی در حج شرکت کرده‌اند، نه کفاری که اصلاً به خدا ایمان ندارند و در حج شرکت نمی‌کنند (ر.ک: «دفاع از حدیث ۱۱۰»، ص ۳۲).

۱۱۵. الکافی، ج ۶، ص ۷۵ - ۷۶.

در این صورت، یکبار طلاق کافی بود زیرا طلاق زن به دست مرد است و رجوع دوباره نیز منوط به خواست اوست.<sup>۱۱۶</sup> در روایتی ساختگی از پیامبر درباره رافضه آمده است:

و يطعنون علی السلف الاول.<sup>۱۱۷</sup>

ولی ابوبکر و عمر سلف پیامبر محسوب نمی‌شوند، بلکه سلف طبقات بعد از خودند.<sup>۱۱۸</sup> در سؤالی که درباره ترمیم مسجد مشرف به قبر پیامبر از امام صادق علیه السلام شده، حضرت از این کار ابراز ناخرسندی کرده است، مبادا کسی بینایی‌اش را بدین خاطر از دست بدهد!<sup>۱۱۹</sup> در حالی که قبر پیامبر پیش از بنای مسجدالنبی به دست ولید بن عبدالملک مکشوف بوده و همگان آن را می‌دیده‌اند.<sup>۱۲۰</sup> در داستان جزیره خضرا راوی می‌گوید:

اهالی جزیره فقط پنج نفر از علمای امامیه یعنی: کلینی، ابن بابویه، مرتضی، طوسی و محقق را می‌شناختند و از آنها مطالبی نقل می‌کردند.<sup>۱۲۱</sup>

اما وقتی آنان به نایب خاص امام زمان دسترسی دارند و باب علم به رویشان بسته نیست، دیگر چه نیازی به آن پنج نفر و فتاوی ایشان دارند، خصوصاً که هریک از ایشان فتاوییی متفاوت با دیگران دارد و منهج فقهی ایشان نیز مختلف بوده است؛ به علاوه، چه‌طور کسی چون مفید - که جامع فقه و حدیث و کلام بوده - نمی‌شناختند.<sup>۱۲۲</sup>

علامه گاهی نیز رکاکت الفاظ و تعابیر به کار رفته در روایت یا آشفتگی و اضطراب متن آن را قرینه ساختگی بودن آن دانسته است.<sup>۱۲۳</sup>

#### ۹. نقد سندی روایت

تأمل در سند روایت و بررسی احوال راویان آن، دیرین‌ترین شیوه ارزیابی روایات بوده و محدثان، از سده‌های نخست، از این معیار برای پالایش روایات از اخبار ساختگی بهره گرفته‌اند. علامه شوشتری نیز در کنار انتقادات متنی، گاهی در سند روایت خدشه کرده و دلیلی بر جعلی بودن آن شمرده است.

۱۱۶. الأخبار الدخيلة، ج ۳، ص ۳۰۸.

۱۱۷. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۳۴.

۱۱۸. الأخبار الدخيلة، ج ۳، ص ۳۱۱.

۱۱۹. الکافی، ج ۱، ص ۴۵۲.

۱۲۰. الأخبار الدخيلة، ج ۳، ص ۳۱۵-۳۱۶.

۱۲۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۷۴.

۱۲۲. الأخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۴۷. برای نمونه‌های دیگر، رک: همان، ج ۱، ص ۱۰۱-۱۰۲، ۱۰۷، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۶۳، ۱۸۱، ۱۸۵، ۲۰۲، ۲۴۰.

۲۴۵-۲۴۶، ج ۲، ص ۲۵۱، ج ۳، ص ۳۱۷-۳۱۸، ج ۴، ص ۳۱۱-۳۱۲.

۱۲۳. برای نمونه رک: همان، ج ۱، ص ۱۷۵: ماجرای افتادن ثابت بن قیس درجهاد و اقدام علی برای نجات او؛ ج ۱، ص ۲۳۷: گفتگوی ابن عباس و امام باقر علیه السلام؛ ج ۴، ص ۳۱۲: اشتقاق اسم فاطمه از نام فاطر خدا. البته مورد اخیر قابل انتقاد است، زیرا اشتقاق صرفی اقسام مختلفی دارد، از جمله اشتقاق اکبر که در آن اشتراک بخشی از حروف اصلی معیار اشتقاق فرض می‌شود (رک: دواسات فی فقه اللغة، ص ۲۱۰؛ نیز «دفاع از حدیث ۴۹»، ص ۱۳۱-۱۳۸).

از جمله، به نظر او اسناد روایاتی که در آنها ادعای رؤیت و ملاقات با امام زمان شده، غالباً مسأله‌دار بوده و در آنها افراد مجهول دیده می‌شود؛<sup>۱۲۴</sup> همچنان‌که داستان‌های جزیره خضرا سند معتبری ندارند.<sup>۱۲۵</sup> شوشتری همچنین در سند تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام خدشه کرده است.<sup>۱۲۶</sup>

شوشتری در نقد روایان حدیث به آرای خزیت فن و نقاد آثار احمد بن حسین غضائری، استاد نجاشی، توجه وافری داشته و نظر او را بر دیگر محدثان چون صدوق ترجیح داده است؛ چنان‌که به قول ابن غضائری - که به نقل صدوق از تفسیر منسوب به امام عسکری ایراد گرفته - استناد کرده است.<sup>۱۲۷</sup>

همچنین، گاه در نقد روایت، منبع یا کتابی که روایت از آن نقل شده، جعلی یا غیرقابل اعتماد دانسته است؛ مثلاً درباره روایتی که از محمد بن ابی‌بکر درباره زمان احتضار پدرش از کتاب سلیم بن قیس نقل شده، با اتکا به انتقادات شیخ مفید و ابن‌غضائری درباره این کتاب، آن را بی‌اعتبار شمرده است.<sup>۱۲۸</sup> نمونه دیگر، روایتی است که در الکافی به نقل از کتاب ابن‌حریش آمده است. ابن‌غضائری آن کتاب را موضوع و شاگردش نجاشی آن را مردود و بی‌ارزش دانسته است. بنابراین، شوشتری این خبر و سایر اخبار منقول از این کتاب را مجعول دانسته است.<sup>۱۲۹</sup> گاهی نیز معیار شوشتری برای نقد سندی روایت، نبود آن در کتب معتبر شیعه است؛ چه مؤلفان این کتاب‌ها در گزینش اخبار دقت زیادی داشته‌اند و اگر روایتی را صحیح می‌دانستند، حتماً آن را در کتاب خود می‌آوردند؛ مثلاً اگر تفسیر منسوب به امام عسکری صحیح بود، قطعاً علی بن ابراهیم قمی و محمد بن مسعود نجاشی - که هر دو معاصر با آن حضرت بوده‌اند - مطالب این کتاب را در تفسیر خود نقل می‌کردند.<sup>۱۳۰</sup> همچنین درباره روایات رؤیت امام زمان - که صدوق در کمال‌الدین آورده - بر آن است که اگر خبر صحیح بود، شیخ طوسی آن را در کتاب الغیبه خود می‌آورد؛ خصوصاً که او کتاب صدوق را هم در اختیار داشته است.<sup>۱۳۱</sup>

۱۲۴. رک: الأخبارالدخيلة، ج ۱، ص ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۳؛ نیز برای دفاع از اسناد روایات مذکور و خدشه در مبنای نقد سندی شوشتری رک: «الفرد اللطيفة على الكتاب المسمى بالأخبار الدخيلة»، ص ۱۴۱ - ۱۴۸.

۱۲۵. الأخبارالدخيلة، ج ۱، ص ۱۴۸.

۱۲۶. همان، ج ۱، ص ۱۵۲، ۲۱۳، ۲۱۵. برای نمونه‌های دیگر، رک: همان، ج ۱، ص ۲۳۸، ۲، ص ۲۴۹ - ۲۵۰، ج ۳، ص ۳۱۶.

۱۲۷. همان، ج ۱، ص ۱۵۲، ۲۱۳؛ برای نمونه‌های دیگر، رک: همان، ج ۱، ص ۹۶، ۹۸، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۲۷.

۱۲۸. همان، ج ۱، ص ۲۳۴؛ قس: اسرار آل محمد، ص ۳۴۸ - ۳۵۰.

۱۲۹. الأخبارالدخيلة، ج ۱، ص ۲۳۷؛ قس: الکافی، ج ۱، ص ۲۴۲ - ۲۵۳. برای نمونه دیگر، رک: الأخبارالدخيلة، ج ۱، ص ۲۲۷ - ۲۲۸؛ درباره روایات مجعول طبری با سند سری عن شعیب عن سیف.

۱۳۰. همان، ج ۱، ص ۲۱۲.

۱۳۱. همان، ج ۱، ص ۹۸. برای نمونه مشابه، رک: همان، ص ۱۱۹؛ با این‌که کلینی در الکافی و مفید در الارشاد باینی به کسانی که موفق به دیدار حضرت شده‌اند، اختصاص داده‌اند، ولی روایت صدوق در کمال‌الدین را در کتب خود نقل نکرده‌اند. صافی گلپایگانی

## نتیجه

۱. کتاب الأخبار الدخيلة از جمله آثار پيشتاز در حوزه نقد متنی و سندی احاديث شيعی و شناسایی احاديث محزف، مصحف و موضوع است. محمدتقی شوشتری، مؤلف کتاب، با وسعت دانش و تبخّر فوق العاده در نقد و بررسی احاديث، اثری ممتاز در این باب عرضه کرده است.
۲. علامه شوشتری برای شناسایی و نقد احاديث ساختگی از معیارهای گوناگون بهره گرفته که در تحقیق حاضر معرفی شده‌اند. تعارض با قرآن، سنت صحیحه، عقل یا علم، تاریخ قطعی، معتقدات کلامی شيعه، حکم مشهور فقهی در شيعه و نیز بررسی سندی روایت از جمله معیارهای بیرونی برای نقد روایت است. او همچنین در مواردی روایت را در بوتۀ نقد درونی قرار داده و با مقایسه مضمون آن با اخبار مشابه یا تحلیل درونی روایت شواهدی برای موضوع بودن روایت عرضه کرده است.
۳. هر یک از معیارهای فوق، تنها قرینه‌ای بر جعلی بودن خبر محسوب می‌شود. از این رو، شوشتری برای اثبات معمول بودن روایت، صرفاً به یک معیار بسنده نکرده و با تحلیل روایت از زوایای گوناگون، آن را با سنجه‌های مختلف محک زده است. بنابراین ایراد کسانی که می‌گویند آنچه شوشتری در نقد روایات آورده، تنها یک احتمال و گمان است و نمی‌توان به قطع حکم به وضع روایت کرد، چندان مقبول نمی‌نماید. البته این به معنای پذیرش همه شواهد و ادله‌ای که او بدین منظور ارائه کرده نیست؛ چنان‌که بر برخی ادله وی خدشه وارد شده است.
۴. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، کتاب الأخبار الدخيلة نیازمند چاپ تحقیقی و منقّح است. یکپارچه‌سازی چهار جلد در مجلدی واحد، افزودن آرای علامه در حوزه نقد سندی و متنی روایات در آثار دیگر او، نظیر النجعة و قاموس الرجال به این کتاب، ذکر مصادر روایات و منقولات در پانویس و تهیه فهرس علمی در پایان کتاب موجب می‌شود تا از یک سو بهره‌گیری از فواید علمی این کتاب بیشتر و سهل‌تر شود و از سوی دیگر، با افزودن تعلیقات انتقادی به ادله‌ای که از استواری کامل ندارد، زمینه نقد علمی و سازنده آن فراهم گردد.

## کتابنامه

- «آية الله علامه حاج شيخ محمدتقی شيخ (شوشتری) رجالی عظیم معاصر»، رضا استادی، کیهان فرهنگی، ش، ۱۳، ص ۳ - ۱۱.
- الأخبار الدخيلة، محمدتقی شوشتری، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۰ - ۱۴۰۱ ق.
- اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشي، کشی، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ ش.

«این معیار شوشتری را مقبول نمی‌داند و معتقد است تاکنون کسی چنین شرطی برای پذیرش روایت وضع نکرده است. به گفته او اگر معیار ضعف روایات عدم ذکر روایت در کتب مشابه باشد، باید اکثر روایات را ضعیف بدانیم.» (النقد اللطيفة علی الكتاب المسمى بالأخبار الدخيلة، ص ۱۴۸).

- الأصول من الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تحقيق: علي اكر غفاري، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- «اندیشه‌های حدیثی علامه محدثی شوشتری» در النجعة، محمدحسین بهرامی، علوم حدیث، ش ۳۱، ص ۳۳ - ۳۴ و ش ۳۲، ص ۲۵-۵۴.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت، ۱۹۸۳ م/ ۱۴۰۳ ق.
- «بررسی روش کتاب الموضوعات فی الآثار و الأخبار در شناخت احادیث موضوعه»، زهرا اخوان صراف، علوم حدیث، ش ۳۱، بهار ۸۳، ص ۱۵۶ - ۱۸۸.
- تاریخ بغداد أو مدينة السلام، خطیب بغدادی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، ۱۹۹۷ م/ ۱۴۱۷ ق.
- تاریخ مدينة دمشق، ابن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
- التفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسكري، تحقیق: سید محمد باقر موحد ابطحی، قم، ۱۴۰۹ ق.
- تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید، طوسی، تحقیق: سید حسن خراسان، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- جامع البیان عن تأویل آی القرآن، محمد بن جریر طبری، تحقیق: صدقی جمیل عطار، بیروت، ۱۹۹۵ م/ ۱۴۱۵ ق.
- الحدیث النبوی و مکاتبه فی الفكر الاسلامی الحدیث، محمد حمزه، بیروت: المركز الثقافی العربی، اول، ۲۰۰۵ م.
- خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، علامه حلی، تحقیق: جواد قیومی، قم، ۱۴۱۷ ق.
- دراسات فی فقه اللغة، صبحی صالح، بیروت، ۱۹۸۹ م.
- «دفاع از حدیث ۲»، مهدی حسینیان قمی، علوم حدیث، ش ۲، زمستان ۷۵، ص ۹۸ - ۱۰۱.
- «دفاع از حدیث ۸»، مهدی حسینیان قمی، علوم حدیث، ش ۱۳، پاییز ۷۸، ص ۱۱۳ - ۱۲۲.
- «دفاع از حدیث ۹»، مهدی حسینیان قمی، علوم حدیث، ش ۱۷، پاییز ۷۹، ص ۱۲۴ - ۱۵۱.
- «دفاع از حدیث ۱۰»، مهدی حسینیان قمی، علوم حدیث، ش ۲۲، زمستان ۸۰، ص ۱۱ - ۳۳.
- «دفاع از حدیث ۱۱»، مهدی حسینیان قمی، علوم حدیث، ش ۲۸، تابستان ۸۲، ص ۲۳۶ - ۲۴۶.
- «دفاع از روایات بحار الأنوار (نقد کتاب مشرعة بحار الأنوار)»، مهدی حسینیان قمی، علوم حدیث، ش ۲۹، پاییز ۸۲، ص ۷۸ - ۱۰۵.
- دلائل الامامة، محمد بن جریر طبری شیعی، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الرجال لابن الفضائری، ابن غضائری، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم، ۱۳۸۰ ش/ ۱۴۲۲ ق.
- «روش علامه شوشتری در نقد سند»، شادی نفیسی، علوم حدیث، ش ۱۰، زمستان ۷۷، ص ۷۱ - ۱۰۲.
- «روش‌شناسی فهم و نقد حدیث در تفسیر میزان: معرفی کتاب علامه طباطبایی و حدیث»، سیدعلی

- آقایی، کتاب ماه دین، ش ۹۹، دی ۸۴، ص ۷ - ۲۳.
- روضة الواعظین، فتال نیشابوری، تحقیق: سیدمحمد مهدی خراسان، قم، [بی تا].
- الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ابن شاذان، تحقیق: علی شکرچی، قم، ۱۴۲۳ق.
- «سخنی درباره اخبار الدخيلة علامه (محقق) شوشتری»، رضا استادی، آینه پژوهش، ش ۳۳، ص ۹ - ۱۹.
- شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، قاضی نعمان، تحقیق: سیدمحمد حسینی جلالی، قم، ۱۴۱۴ق.
- شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، ۱۹۵۹م/۱۳۷۸ق.
- «شیخ محمدتقی شوشتری و انتقادات رجالی او: بررسی تطبیقی قاموس الرجال و نتیح المقال»، سیدعلی آقایی، آینه پژوهش، هنوز منتشر نشده است.
- عبدالله بن سبأ و أساطیر أخرى، مرتضی عسکری، قم، ۱۹۹۷م/۱۴۱۷ق.
- علل الشرايع، ابن بابویه، تحقیق: سیدمحمد صادق بحر العلوم، نجف، ۱۹۶۶م/۱۳۸۵ق.
- عیون أخبار الرضا ابن بابویه، تحقیق: حسین اعلمی، بیروت، ۱۹۸۴م/۱۴۰۴ق.
- عیون المعجزات، حسین بن عبدالوهاب، نجف، ۱۳۶۹ق.
- فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، نجاشی، تحقیق: سیدموسی شبیری زنجانی، قم، ۱۴۱۸ق.
- کتاب الغيبة، طوسی، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، ۱۴۱۱ق.
- کتاب سلیم بن قیس الهلالی، سلیم بن قیس، تحقیق: محمدباقر انصاری زنجانی، قم، ۱۴۲۰ق.
- کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۵ق.
- «گفتگو با آیه الله رضا استادی»، علوم حدیث، ش ۱۱، بهار ۷۸، ص ۱۱ - ۱۸.
- مصنف ابن ابی شیبة فی الأحادیث و الآثار، ابن ابی شیبة، تحقیق: سعید لحام، بیروت، ۱۹۸۹م/۱۴۰۹ق.
- من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، [بی تا].
- مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب، نجف، ۱۹۷۶م/۱۳۵۶ق.
- «نجمه»، کتابی بسیار سودمند در فقه شیعه، احمد عابدی، آینه پژوهش، ش ۷، خرداد و تیر ۷۰، ص ۳۲ - ۳۴.
- «النقود اللطيفة علی الكتاب المسمى بالأخبار الدخيلة»، صافی گلپایگانی، نور علم، ش ۲۲، مرداد ۶۶، ص ۱۳۵ - ۱۶۰، ش ۲۳، آبان ۶۶، ص ۱۲۹ - ۱۴۴، ش ۲۴، دی ۶۶، ص ۱۶۱ - ۱۷۲.
- وقعة صفین، نصر بن مزاحم، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۸۲ق.